

What we are looking for in this article with a descriptive-analytical approach and in the form of a library is the quality of truth and the design of the universe in the Holy Quran and Islamic traditions. The invitation to walk on the earth and observe the sensory and experimental quality of the beginning of creation and thinking in the creation and planning of the universe is one of the things that the Almighty God emphasizes in the Holy Quran. The result of this reflection is understanding and faith in creating the end of the world and the departure of man from the earth on the Day of Judgment. Planning a desirable and happy way of life is one of the logical effects of the previous two stages and ultimately leads to human well-being and salvation. Just as the Holy Quran is the explanation of everything, the explanation of this great weight are also perfect human beings like the infallible imams (peace be upon them). More than fourteen centuries ago, Hazrat Ali (peace be upon him) and other infallible imams (peace be upon him) in their words and in line with the better understanding of the Holy Quran, explained the creation of the universe and the creation of man in such a way that despite the claim of the progress of experimental sciences, the current human It has not yet reached the understanding of many of its stages and concepts. In this article, the quality of creation and planning of the universe is explained from the perspective of the Holy Quran and Islamic traditions.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۴۰۹-۳۴۱۹

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.352917.3759>

### خلق و تدبیر کائنات در قرآن کریم و روایات اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

سید احمد حسینی نعیمی<sup>۱</sup>

کمال خواجه پور<sup>۲</sup>

سید حمید شمع ریزی<sup>۳</sup>

چکیده:

آنچه در این نوشتار با رویکرد توصیفی- تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای در پی آن هستیم، کیفیت خلق و تدبیر کائنات در قرآن کریم و روایات اسلامی است. دعوت به سیر در زمین و مشاهده‌ی حسی و تجربی کیفیت آغاز آفرینش و تفکر در خلق و تدبیر کائنات، از مواردی است که خداوند متعال در قرآن کریم بر آن تأکید می‌ورزد. نتیجه‌ی این تأمل، فهم و ایمان بر انشا کردن نشا آخره و خروج انسان از ارض در روز قیامت است. برنامه‌ی ریزی شیوه‌ی زندگی مطلوب و سعادت‌مندانه از اثرات منطقی دو مرحله‌ی قبل و در نهایت موجب فلاح و رستگاری انسان است. همان‌گونه که قرآن کریم تبیان هر چیزی است، تبیین‌کننده‌ی این ثقل اکبر نیز انسان‌های کاملی هم‌چون ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند. بیش از چهارده قرن پیش حضرت علی (علیه‌السلام) و سایر ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در سخنان خود و در راستای فهم بهتر قرآن کریم، ابداء و انشاء کائنات و خلق انسان را به گونه‌ای شرح داده‌اند که با وجود ادعای پیشرفت علوم تجربی، انسان کنونی هنوز به درک بسیاری از مراحل و مفاهیم آن نایل نیامده است. در این مقاله کیفیت خلق و تدبیر کائنات از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی تشریح گردیده است.

کلمات کلیدی: قرآن، روایات اسلامی، خلق و تدبیر، کائنات.

<sup>۱</sup>دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، ۰۹۱۳۱۵۹۷۶۸۶، s.a.hoseiny.n@gmail.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، ۰۹۱۳۱۵۷۴۶۲۳، khajehpour@iauyazd.ac.ir

<sup>۳</sup>استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، ۰۹۱۳۱۵۶۳۱۸۲، shamerizi@iauyazd.ac.ir

آفرینش در قرآن کریم و روایات اسلامی و تفکر درباره‌ی آن موضوعی است که بخش قابل توجهی از این منابع ارزشمند را به خود اختصاص داده است؛ از بنا کردن آسمان که خلقتی بس عظیم‌تر و استوارتر از خلقت انسان دارد: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بِنَاهَا؟ آیا آفرینش شما بنیادین‌تر است، یا آسمان (که آن را) سازمان داده است؟» (نازعات، ۲۷)، تا خلقت فرشتگان و انواع آن‌ها که امام سجاد (علیه‌السلام) هنگام درود فرستادن بر آن‌ها در دعای خود، در بیان نام تمامی آن‌ها و قدرت و نوع کارشان کلمه نمی‌دانیم را به کار می‌برند: «...و من أوهمننا ذكره و لم نعلم مكانه منك و بأی أمر و كلته...؛ ... و بر هر فرشته‌ای که نامش را یاد نکرده‌ایم و از قدرش در پیشگاه تو خبر نداریم و نمی‌دانیم او را به چه کاری گماشته‌ای ...» (صحیفه سجادیه، دعای سوم). لذا به نظر می‌رسد پرداختن به تمامی آن‌ها از زوایای مختلف در محدوده‌ی دانسته‌ها و توان انسان نبوده و نیاز به علمی لدنی دارد. بنابراین در این نوشتار نکاتی چند در باب آفرینش و تدبیر کائنات که برگرفته از آیات نورانی قرآن کریم و سخنان گوهربار ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است تشریح می‌گردد.

## ۲- مفهوم شناسی واژگان

مفهوم شناسی صحیح از واژگان و کیفیت به کارگیری آن‌ها در قرآن کریم و روایات اسلامی، مسیر حرکت درست و فهم دقیق از معارف را روشن کرده و عکس آن سبب درک نادرست و گاه موجب سردرگمی انسان می‌گردد. لذا سعی بر آن است که منطبق‌ترین معنی از لغات مدنظر در متون قرآنی-روایی استفاده، تا فهم درست از مقصود آن حاصل شود؛ بنابراین در ادامه به تشریح برخی از واژگان مهم در زمینه‌ی خلق و تدبیر می‌پردازیم.

### ۲-۱: امر

عالم امر، در مقابل عالم خلق و به معنای جهان ماوراء ماده است. عالم امر با حواس پنج‌گانه درک‌شدنی نیست؛ بر خلاف عالم خلق که با این حواس درک می‌شود. ریشه‌ی اعتقاد به جهان امر را در عبارت «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»، از آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف می‌دانند. بر طبق تفسیر روح البیان، چون در این عالم هر موجودی به صرف امر خداوند و بی‌واسطه مخلوقات دیگر، موجود می‌شود؛ آن را عالم امر نام‌گذاری کرده‌اند (حقی بروسوی، ۱۳۰۶، ۵، ۱۹۸) منشاء اعتقاد به عالم امر برخی از آیات قرآن است؛ از جمله آیه‌ی شریفه‌ی ۸۵ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي؛ درباره‌ی روح از تو می‌پرسند، بگو: روح از (سرخ) فرمان پروردگار من است» و آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ (آگاه باش که) عالم خلق و امر از آن اوست» (بلاغی، ۱۳۸۶، ۴، ۸۴). «در عالم امر موجودات به صرف اراده‌ی الهی و امر او و بدون نیاز به فراهم شدن شرایط مادی مانند زمان و مکان، به وجود می‌آیند؛ برخلاف عالم خلق که در آن برای آن‌که موجودی تحقق پیدا کند، شرایط خاص مادی باید وجود داشته باشد» (بهشتی، ۱۳۸۰، ۱۸).

### ۲-۲: خلق

در مقابل عالم امر، عالم خلق است. به عالم مادیات عالم خلق گفته می‌شود؛ خلق به معنای ایجاد چیزی از روی حساب است و طبق آیات قرآن کریم منظور از خلق، آفرینش نخستین است و بعضی از فلاسفه مایلند عالم خلق را عالم ماده بدانند؛ زیرا عالم خلق جنبه تدریجی دارد و این خاصیت جهان ماده است. در این عالم تحقق هر موجود علاوه بر امکان ذاتی، منوط به امکان استعدادی یعنی پذیرش ماده و مساعد بودن شرایط و آماده بودن زمینه است. اینجا نیز تحقق هر موجود به اراده و فرمان خداست؛

ولی تا زمینه برای پیدایش یک موجود مادی فراهم نشود و شرایط لازم جمع و موانع برطرف نگردد، خدا هستی او را اراده نکند و به تحقق او فرمان ندهد.

۲-۳: سماء

سَمَاء در لغت، به معنای طرف بالا است و این مفهوم جامعی است که مصداق‌های مختلفی دارد؛ لذا می‌بینیم در قرآن کریم در موارد گوناگونی به کار رفته است: گاهی به جهت بالا در قسمت مجاور زمین، گاه به منطقه ای دورتر از سطح زمین (محل ابرها)، گاه به قشر متراکم هوای اطراف زمین و گاهی به معنای کرات بالا آمده است. طبق تعبیر اول در سوره‌ی مبارکه‌ی سجده، سماء به معنای مقام قرب خدا است و طبق تعبیر دوم سماء به معنای همین آسمان است. «این کلمه صد و بیست بار و جمع آن سموات صد و نود بار در کلام الله مجید آمده است» (عبدالباقی، ۱۳۷۲، ذیل واژه). اصل آن از سمو به معنی رفعت و بلندی است. راغب در توضیح سماء می‌گوید: «سماء هر چیز، بالای آن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل واژه). بنا به نظر طبرسی «سماء معروف است و هر آنچه بالای تو باشد و بر تو سایه افکند سماء است و سماء بیت، سقف آن است. به باران نیز سماء گویند» (طبرسی، ۱۳۸۴، ذیل واژه). جوهری نیز چنین نظری دارد (جوهری، ۱۴۰۴، ذیل واژه).

۲-۴: ارض

«ارض به معنای آن چیزی است که مردم بر آن زندگی می‌کنند» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷، ۱۱۲). برخی می‌گویند به معنای آن‌چه که پائین و مقابل آسمان است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱، ذیل واژه). ارض ۴۶۱ بار در قرآن کریم تکرار شده؛ اما هیچ‌گاه جمع نیامده است، تنها در یک آیه با لفظ مفرد اراده جمع شده و آن آیه هفت آسمان است که می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن‌ها را؛ فرمان او در میان آن‌ها پیوسته فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیزی تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد» (طلاق، ۱۲).

۲-۵: ماء

واژه‌ی «ماء» اصل عبری آن «مِی - میم» و سریانی آن «میا» است که در عربی تغییر شکل داد و «ماء» شد. این لغت در اصل به معنی هر مایع غیر جامد است چه آب مطلق باشد یا آب‌های مضاف، ولی وقتی به صورت «ماء» مطلق استفاده می‌شود منسوب به آب خالص است. راغب گفته: «اصل آن مَوَه است به دلیل آن‌که جمع آن آمواه و میاه آمده و مصغرش مَوِیَه است هاء آخر را حذف و واو را مبدل به الف کرده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ذیل واژه).

### ۳- کیفیت و مراحل خلق و تدبیر کائنات در قرآن کریم و روایات اسلامی

دسترسی علم تنها به مواردی است که قواعد علت و معلولی و قوانین ماده و انرژی درخصوص آن قابل بیان باشد، لذا انسان تا حدودی می‌تواند به شناخت اشیاء که خلق شده‌اند دست پیدا کند. ولی شناخت چیزهایی که توسط فعل امری خداوند به وجود آمده‌اند از دسترس علم خارج است و آن‌چه که می‌توان از آن فهمید منوط به وحی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) که از سرچشمه‌ی علم الهی تغذیه می‌شوند، می‌باشد. فهم این‌که کیفیت ایجاد کائنات در ابتدای امر چه بوده یکی از مواردی است که از دسترس علم خارج است ولی با توجه به کلام وحی و معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان به درک قسمت‌هایی از آن دست پیدا کرد. در ادامه به کیفیت و مراحل خلق و تدبیر کائنات از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی پرداخته شده است:

## ۳-۱: کیفیت و مراحل خلق و تدبیر کائنات در قرآن کریم

«در قرآن کریم موضوع آفرینش به صورت استطرادی و ضمنی در آیات مطرح شده است و هیچ آیه‌ای به‌طور مستقل و مستقیم به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین نپرداخته است؛ از این رو در آیات مربوط به آفرینش هستی هیچ‌گاه به بحث‌های تفصیلی پرداخته نشده است؛ بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده، بسنده شده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۲۲۹). قرآن کریم مراحل و دوره‌های خلقت آفرینش را در آیاتی چند بیان کرده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

۱- آیاتی که خلقت آسمان و زمین را در شش روز بیان کرده است؛ مانند: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ؛ پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید» (اعراف، ۵۴).

۲- آیاتی که آفرینش آسمان و زمین و آنچه که بین آن‌هاست را در شش روز عنوان کرده است؛ مانند: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ؛ همان (خدایی) که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز (شش دوران) آفرید» (فرقان، ۵۹).

۳- آیاتی که مجموع آفرینش را در هشت روز بیان کرده است: «قُلْ أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ إِندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلْسَانَيْنِ \* ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انثَبَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است \* او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود (این‌ها همه در چهار روز بود) درست به اندازه‌ی نیاز تقاضاکنندگان \* سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد به وجود آید (و شکل گیرد) خواه از روی اطاعت و خواه اکراه. آن‌ها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم) \* در این هنگام آن‌ها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود و آسمان پایین را با چراغ‌هایی (ستارگان) زینت بخشیدیم (با شهاب‌ها از رخنه‌ی شیاطین) حفظ کردیم؛ این است تقدیر خداوند توانا و دانا» (فصلت، ۱۲-۹).

شایان ذکر است که بنا به عقیده‌ی اندیشمندان اسلامی مراد از روز همان دوره است؛ چرا که «اگر روز (یوم) را به معنای طلوع تا غروب خورشید بگیریم، با یافته‌های علمی دانشمندان مبنی بر آفرینش جهان در طی میلیاردها سال، تناقض ایجاد می‌شود و از طرفی در زمان آفرینش، حرکت وضعی (گردش زمین به دور خودش) مطرح نبوده است؛ زیرا هنوز زمین و خورشید خلق نشده بودند. بنابراین یوم به معنای دوره می‌باشد. خواه این دوران کوتاه باشد و یا طولانی هرچند میلیون‌ها سال به طول انجامد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۸، ۲۱۸).

با توجه به آیات قرآن، آسمان و زمین در شش دوره خلق شده است که «منظور از آفریدن آن‌ها، جمع کردن اجزاء و سپس جدا ساختن آن‌ها از مواد دیگری، متشابه باهم و متراکم در هم است. به حکم این آیات؛ خلقت آسمان‌ها در دو روز و خلقت زمین نیز در دو روز صورت گرفته و در نتیجه از شش روز، دو روز باقیمانده که در آن دو روز تقدیر ارزاق و یا به عبارتی، به حرکت در آوردن زمین به دور خورشید صورت گرفته است، به نحوی که در اثر دور و نزدیک شدنش از خورشید و نیز در اثر میل به سوی شمال و جنوب، چهار قسم هوا در زمین پیدا شد: هوای بهاری، تابستانی، پاییزی و زمستانی و در نتیجه زمین آماده گردید برای این که ارزاق روزی خواران از آن بروید» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۶، ۳۷۱).

در آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی فصلت خلقت آسمان و زمین این‌گونه بیان شده است:

«خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ؛ زمین را در دو روز آفرید»؛

در تفسیر این آیه‌ی شریفه آمده است: «خدا زمین را در دو روز (دو دوره) به گونه‌ای خلقت فرموده که مناسب برای سکونت و زندگی انسان و حیوانات دیگر باشد و فاصله‌ی بین زمین و خورشید طوری است که حرارت زمین به میزان معتدلی است؛ نه بسیار سرد است که سبب انجماد همه‌ی موجودات شود و نه بسیار گرم که سکونت در آن غیر قابل تحمل باشد. زمین را هوا فرا گرفت که انسان، حیوانات و نباتات بتوانند تنفس کنند. گردش زمین به دور خود و خورشید به سرعتی است که شب و روز متعادل و فصول مختلفی به وجود آورده که فقدان هر کدام کافی است که قسمتی از زندگی مختل شود» (طیب، ۱۳۷۸، ۱، ۴۵۰).

«جَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ قَوِّهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلْسَانَيْنِ؛ او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود (این‌ها همه در چهار روز بود) درست به اندازه‌ی نیاز تقاضاکنندگان»:

بعد از تذکر به این‌که زمین را در مدت دو روز از عدم به وجود آورده در مقام تنظیم آفرینش آن برآمده که در بالای زمین کوه‌های برافراشته و در آن‌ها از انواع و اقسام گیاهان، معادن و غیر آن برکت داده و روزی خلق را در آن اندازه‌گیری نموده است، این‌ها همه در چهار روز بوده است و این روزی به اندازه‌ی نیاز نیازمندان و تقاضا کنندگان است. منظور از سائلین در این‌جا ممکن است انسان‌ها بوده باشند یا اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان. «نه تنها نیاز انسان‌ها بلکه نیاز حیوانات و گیاهان را از آغاز در زمین پیش بینی کرده و آن‌چه برای ادامه‌ی حیات آن‌ها لازم بوده، آفریده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۰، ۲۲۳).

در این آیه‌ی شریفه منظور از «بَارَكَ فِيهَا» آن است که خدا در زمین خیر بسیاری قرار داد که موجودات زنده روی زمین از نبات حیوان و انسان در زندگی خود انواع بهره‌ها را در آن خیرات می‌برند» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۷، ۵۵۰). با توجه به این دو آیه‌ی شریفه مراحل تکاملی آفرینش جهان هستی این چنین است:

۱. خلق شدن: «خَلَقَ الْأَرْضَ».

۲. استقرار و تثبیت: «جَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ».

۳. تزریق منافع در زمین: «بَارَكَ فِيهَا».

۴. تأمین نیازهای همگان: «سَوَاءً لِّلْسَانَيْنِ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰، ۳۱۸).

قرآن کریم بعد از پایان سخنان مربوط به آفرینش زمین و مراحل تکاملی آن، به بحث از آفرینش آسمان‌ها پرداخته، می‌فرماید:

«ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ؛ سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود»؛ خداوند به امر آسمان پرداخت و «عالم بالا را از این کرات جویه، خورشید و ماه و ستاره منظم فرمود و هر کدام را در جای خود قرار داد» (طیب، ۱۳۷۸، ۱۱، ۴۱۶). در حالی که آسمان از بخارات زمین که به بالا متصاعد گردیده و مثل دود جلوه می‌کرد، پر بود. آیت الله مکارم شیرازی در مورد کلمه‌ی «ثم» که ظاهراً خلقت آسمان‌ها را بعد از خلقت زمین و متعلقش آورده می‌فرماید: «تعبیر «ثم» معمولاً برای تأخیر در زمان می‌آید؛ ولی گاه به معنی تأخیر در بیان می‌باشد. اگر به معنی اول باشد، مفهومش این است که آفرینش آسمان‌ها بعد از خلقت زمین و آفرینش کوه‌ها و معادن و مواد غذایی صورت گرفته است؛ ولی اگر به معنای دوم باشد؛ هیچ مانعی ندارد که آفرینش آسمان‌ها قبلاً صورت گرفته و زمین بعد از آن؛ ولی به هنگام بیان کردن، نخست از زمین و ارزاق و منابع آن، که مورد توجه و نیاز انسان‌هاست، شروع کرده و سپس به شرح آفرینش آسمان‌ها پرداخته است. معنای دوم گذشته از این‌که با اکتشافات علمی هماهنگ‌تر است با آیات دیگر قرآن نیز موافقت دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۰، ۲۲۷). ایشان سپس به عنوان شاهد آیات شریفه‌ی ۲۷-۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی نازعات را نام می‌برد که روشن می‌کند مسائل مربوط به زمین بعد از آفرینش آسمان‌ها بوده است:

«أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا \* رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا \* وَ اغْطَشَ لَيْلَهَا وَ أَخْرَجَ ضُحَاهَا \* وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا \* أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرَعَاهَا \* وَ الْجِبَالَ أَرْسَاهَا \* مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ؛ آیا آفرینش شما مشکل‌تر است یا آسمان؟ که خداوند آن را بنا نهاد \* سقف آن را برافراشت و آن را منظم ساخت \* و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود \* و زمین را بعد از آن

گسترش داد \* و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد \* و کوهها را ثابت و محکم نمود \* همه‌ی این‌ها برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است» (همان).

«فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا؛ در این هنگام آن‌ها را به‌صورت هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود». «این آیه‌ی شریفه به وجود دو دوران در آفرینش آسمان‌ها اشاره دارد که هر دورانی از آن میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال به طول انجامیده و هر دوران به نوبه‌ی خود به ادوار دیگر تقسیم می‌شود. این دو دوره ممکن است دوران تبدیل گازهای فشرده به مایع و مواد مذاب و دوران تبدیل مواد مذاب به جامد بوده باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۰، ۲۲۹).

آسمان دارای طبقات متعددی است که عدد هفت برای آن‌ها در قرآن به‌کار رفته است. درباره‌ی این عدد دو نظریه وجود دارد:

- ۱- عدد تکثیر باشد یعنی آسمان‌های فراوان و کرات بی‌شماری آفریدیم.
- ۲- ممکن است دال بر تعداد باشد؛ یعنی خدا هفت آسمان را در دو روز خلق کرد و همه‌ی ستاره‌ها و سیارات طبق جمله‌ی بعد در این آیه‌ی شریفه، جزء آسمان اول هستند، که البته تفسیر دوم صحیح‌تر است» (همان). مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بیان می‌فرماید: «این آسمان‌های هفت‌گانه، همه جزو خلقت جسمانی‌اند و همه در داخل طبیعت و ماده هستند، نه ماوراء طبیعت» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۷، ۵۶۰).

در تفسیر نمونه دوران‌های شش‌گانه‌ی خلقت این‌گونه تشریح شده است:

- ۱- روزی که همه‌ی جهان به‌صورت توده‌ی گازی شکل بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد.
- ۲- این کرات تدریجاً به‌صورت توده‌ی مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت در آمدند.
- ۳- روز دیگر منظومه‌ی شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.
- ۴- روز دیگر زمین سرد و آماده‌ی حیات گردید.
- ۵- سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.
- ۶- سرانجام انسان‌ها و حیوانات در روی زمین ظاهر گشتند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۰، ۲۰۲).

### ۳-۲: کیفیت و مراحل خلق و تدبیر کائنات در روایات اسلامی

مراحل آفرینش موضوعی است که در روایات صادره از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) بدان پرداخته شده و کیفیت و چگونگی ایجاد و انجام آن با بیان جزئیات تشریح گردیده است؛ به‌عنوان نمونه امام علی (علیه‌السلام) در قسمتی از خطبه‌ی اول خود در نهج‌البلاغه، درباره‌ی چگونگی خلقت جهان به ایراد سخن پرداخته و در خطبه‌های ۹۰ و ۲۰۲ نیز اشاره‌ای کوتاه به جریان خلقت نموده‌اند. در خطبه‌ی اول ابتدا به اجمال به شناخت و نحوه‌ی خلقت خداوند اشاره و در ادامه به تفصیل به خلقت جهان هستی توسط خداوند پرداخته و می‌فرمایند:

«ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَّ الْأَجْوَاءَ وَ شَقَّ الْأَرْجَاءَ وَ سَكَّنَاكَ الْهَوَاءَ؛ سپس خداوند طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید». «برخی مفسرین از این کلام امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) نتیجه گرفته‌اند که نخستین آفرینش در جهان ماده، آفرینش فضای جهان بوده است؛ فضایی که کرات آسمانی و منظومه‌ها و کهکشان‌ها را در بر می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱، ۱۲۶)

هم‌چنین برخی دیگر با نظر به معنای لغوی «فتق» که عبارت است از شکافتن و فاصله‌ی میان دو چیز، بیان نموده‌اند که «این کلام حضرت علی (علیه‌السلام) در حقیقت اشاره به آفرینش جدید دارد و منظور از «فتق الاجواء»، فعل و انفعالاتی است که در اجزاء و مواد واقع در فضا صورت گرفته است نه در خود فضا، تا آفرینش جدیدی صورت گیرد. از طرف دیگر، «فتق الاجواء» نشان می‌دهد که جهان یک‌پارچه و در یک‌جا جمع شده بوده؛ چون تنها در این صورت است که شکافتن و گسترش دادن معنی

پیدا می‌کند؛ تا چیزی در یکجا جمع نباشد نیازی به سخن گفتن از شکافتن و گشودن نیست و چیزی که از وضع سابق به وضع جدید در می‌آید، آن وضع دومی را انشا و ایجاد گویند؛ به عبارت دیگر، مواد و اجزاء پراکنده در فضا که با فاصله‌های زیاد، جاهای وسیعی را اشغال کرده بود، از آن جای وسیع به جا و مکان کوچک‌تر منتقل شدند و این مواد که بر اثر فشار، از مرکز متراکم شدند، شکاف برداشتند و فاصله‌هایی در آن‌ها ایجاد گردید که از آن به شق الارحاء تعبیر شده است و بر اثر این فشار و شکاف، در جاهای دور و کرانه‌های نهایی آن بزرگراه‌ها بوجود آمدند: سکاٹک الهواء» (دین پرور، ۱۳۹۰، ۱، ۷۱-۷۰).

«فَأَجْرَى فِيهَا مَاءً مُتَلَاطِمًا تَيَّارُهُ مُتْرَاكِمًا زَخْرَاهُ حَمَلُهُ عَلَى مَتْنِ الرِّيحِ الْعَاصِفَةِ وَالزَّعْرَعِ الْقَاصِفَةِ فَأَمْرَهَا بَرْدٌ وَسَاطُهَا عَلِيٌّ شَدَّةٌ وَقَرْنَهَا إِلَى حَدِّهِ الْهَوَاءُ مِنْ تَحْتِهَا فَتَيْقٌ وَالْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ؛ و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود که یکی بر دیگری می‌نشست، آب را بر بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به باز گرداندن آن فرمان داد و به نگهداری آب مسلط ساخت و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود. فضا در زیر تند باد و آب بر بالای آن در حرکت بود.»

در مرحله‌ی دوم آفرینش، آب را در این مجموعه که دارای شکاف‌هایی بود جاری ساخت، آبی پر موج و پر تلاطم (این نشان می‌دهد که انرژی جنبشی این آب بسیار بالا بوده است. دلیل حتمی آن هم باید این باشد که این آب بسیار داغ بوده است) و «چون آب دارای سنگینی و فشار است و اگر در فضای باز رها شود سرازیر می‌گردد، خدا ظرفی از طوفان‌ها و تندبادها را در زیر آن آب‌ها قرار داد تا نگذارد آب‌ها از آن شکاف‌ها سرازیر شود» (دین پرور، ۱۳۹۰، ۱، ۷۳) و «از «الْهَوَاءُ مِنْ تَحْتِهَا فَتَيْقٌ وَالْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ» فهمیده می‌شود که مکان‌ها و جایگاه‌هایی در زیر آن آب وجود دارد و باد را فرمان داده است آب را حفظ کند به آن مکان‌ها برسد» (ابن میثم بحرانی، ۱۳۸۵، ۱، ۲۹۸).

«ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحًا اعْتَقَمَ مَهَبُهَا وَ أَدَامَ مَرْبَهَا وَ أَعْصَفَ مَجْرَاهَا وَ أَبْعَدَ مَنَشَأَهَا فَأَمْرَهَا بِتَصْفِيقِ الْمَاءِ الزَّخَّارِ وَ إِثَارَةَ مَوْجِ الْبِحَارِ فَمَخَضَتْهُ مَخْضَ السَّقَاءِ وَ عَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا بِالْفَضَاءِ تَرْدُ أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ وَ سَاجِيَهُ عَلَى مَائِرِهِ حَتَّى عَبَّ عَبَابُهُ وَ رَمَى بِالزَّبَابِ رُكَامَهُ فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُتَفَتِقٍ وَ جَوٍّ مُتَفَتِقٍ فَسَوَى مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ سَبَسَ خَدَايَ سَبْحَانَ، طوفانی برانگیخت که آب را متلاطم ساخت و امواج آب را پی در پی در هم کوبید. طوفان به شدت وزید و از نقطه‌ای دور دوباره آغاز شد. سپس به طوفان امر کرد تا امواج دریاها را به هر سو روان کند و برهم کوبد و با همان شدت که در فضا وزیدن داشت، بر امواج آب‌ها حمله‌ور گردد اول آن برمی‌داشت و به آخرش می‌ریخت و آب‌های ساکن را به امواج سرکش برگرداند. تا آن‌جا که آب‌ها روی هم قرار گرفتند و چون قله‌های بلند کوه‌ها بالا آمدند. امواج تند کف‌های برآمده از آب‌ها را در هوای باز و فضای گسترده بالا برد، که از آن هفت آسمان را پدید آورد». خداوند پس از تندباد اول، طوفانی دیگر ایجاد فرمود که دارای چهار ویژگی بود:

۱. «اعْتَقَمَ مَهَبُهَا»: بادی که عقیم و نازا بود. نه ابری بود که به هم پیوندش دهد و باران ببارد و نه گلی که آن را بارور سازد. بلکه تنها مأموریتش به هم آمیختن آب‌های متراکم بود.
۲. «أَدَامَ مَرْبَهَا»: بادی که همراه و ملازم آب بود و از آن جدا نمی‌شد. وزش این باده‌ها مداوم بود و لحظه‌ای قطع نمی‌شد.
۳. «أَعْصَفَ مَجْرَاهَا»: بادی که جریانش بسیار قوی و پر قدرت بود و از نظر شدت باید در یک حالت مساوی و یکسان می‌بود.
۴. «أَبْعَدَ مَنَشَأَهَا»: بادی که از دوردست‌ها می‌وزید؛ زیرا درازی مسافت بر قدرت و سرعت آن می‌افزود» (دین پرور، ۱۳۹۰، ۱، ۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۳۸-۱۳۹). در ادامه امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) به مأموریت این باده‌ها اشاره کرده، می‌فرماید:
  ۱. «فَأَمْرَهَا بِتَصْفِيقِ الْمَاءِ الزَّخَّارِ»: دستور داد که آب عمیق و پرفشار فراوان را پیوسته برهم بکوبد.
  ۲. «إِثَارَةَ مَوْجِ الْبِحَارِ»: امواج، آن اقیانوس‌ها را به هر سو به حرکت در آورد. یعنی همان‌طور که امواج دریاها بالا و پایین می‌روند و اجزاء و قطرات از آن‌ها به این طرف و آن طرف پراکنده و پاشیده می‌شود.
  ۳. «فَمَخَضَتْهُ مَخْضَ السَّقَاءِ»: این تندباد، آن آب را هم‌چون مشک به هم زد؛ مانند مشک شیر که برای گرفتن کره به حرکت در می‌آید و شیرها بر اثر آن حرکت به یک‌دیگر برخورد می‌کنند.



۴. «عَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا بِالْفَضَاءِ»: تندباد، آن آب را به شدت به سوی فضا بالا برد. این کنایه از نهایت حرکت و سرعت آن آب و مقدمه‌ی جهش جدید است.

۵. «تَرَدُّ أَوْلَهُ عَلَى آخِرِهِ وَ سَاجِيَهُ عَلَى مَائِرِهِ»: این تندباد قسمت‌های نخست این آب را بر آخرش می‌ریخت و بخش‌های ساکن را به سوی متحرک می‌برد؛ یعنی ممزوج شدن اجزاء آن آب.

۶. «حَتَّى عَبَّ عَبَابُهُ»: تا آنجا که آب‌ها بر روی هم متراکم شدند و بالا آمدند. پس حالت ارتفاع و بالا آمدن پیدا کرد که در مراحل قبل نبود.

۷. «رَمَى بِالزَّبَدِ رُكَامَهُ»: این آب‌های متراکم بالا آمده، کف‌های خود را به بیرون پرتاب کردند.

۸. «فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِقٍ وَ جَوٍّ مُنْفَتِقٍ»: سپس خدا آن کف‌ها را در هوایی گشاد و فضایی گسترده بالا برد. احتمالاً منظور از بالا بردن کف در فضا و هوا، همان بخار باشد؛ همان‌طور که در قرآن کریم اشاره شده: «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» که دخان می‌تواند همان گاز یا بخار و یا زبد باشد. زبد بخاری است که از حرکت آب پدید می‌آید، متنها تا وقتی که ثقل و غلظت آن بیشتر باشد روی آب می‌ماند و آن را کف گویند، وقتی که اجزاء هوا در آن غلبه کند و از آب جدا شود آن را بخار نامند. بنابراین بیان امام علی (علیه‌السلام) با قرآن کریم درباره‌ی آفرینش آسمان هماهنگ است؛ یعنی بخاری که از آن آب (کف روی آب) جدا می‌شود، منشأ خلقت آسمان‌ها گردیده و از باقیمانده کف، زمین آفریده شده است.

۹. «فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ»: و از آن آسمان‌های هفت‌گانه را آفرید و منظم ساخت» (دین پرور، ۱۳۹۰، ۱، ۷۶-۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۴۰-۱۳۹).

در ادامه حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه‌ی ۹۱، به مرحله‌ی دیگری از مراحل آفرینش جهان اشاره کرده، می‌فرماید:

«فَخَضَعَ جِمَاحَ الْمَاءِ الْمُتَلَاطِمِ لِثِقَلِ حَمَلِهَا وَ سَكَنَ هَيْجُ ارْتِمَائِهِ إِذْ وَطِئَتْهُ بِكُلِّكَلِهَا وَ ذَلَّ مُسْتَخْدِياً إِذْ تَمَعَّكَتْ عَلَيْهِ بِكَوَاهِلِهَا؛ پس قسمت‌های سرکش آب از سنگینی زمین فرو نشست و هیجان آن‌ها بر اثر تماس با سینه‌ی زمین آرام گرفت؛ زیرا زمین با پشت بر آن می‌غلطید و آن همه سر و صدای امواج ساکن و آرام شده، چون اسب افسار شده رام گردید».

سپس می‌فرماید: «فَأَصْبَحَ بَعْدَ اصْطِخَابِ أَمْوَاجِهِ سَاجِياً مَقْهُوراً وَ فِي حَكْمِهِ الدَّلُّ مُنْقَاداً أَسِيراً وَ سَكَنَتِ الْأَرْضُ مَدْحُوَّةً فِي لُجَّةِ تِيَارِهِ وَ رَدَّتْ مِنْ نَحْوَةِ بَأْوِهِ وَ اعْتَلَّائِهِ وَ شَمُوخِ أَنْفِهِ وَ سُمُوِّ غُلَوَائِهِ وَ كَعْمَتِهِ عَلَى كِطْطِهِ جَرِيَّتِهِ فَهَمَدَ بَعْدَ نَزَقَاتِهِ وَ لَبَدَ بَعْدَ زَيْفَانِ وَ تَبَاتَه؛ خشکی‌های زمین در دل امواج گسترده شد و آب را از کبر و غرور و سرکشی و خروش باز داشت و از شدت حرکتش کاسته شد و بعد از آن همه حرکت‌های تند ساکت شد و پس از آن همه خروش و سرکشی متکبرانه به جای خویش ایستاد» و بدین ترتیب زمین آماده‌ی پذیرش حیات شد.

آن حضرت (علیه‌السلام) در بخش دیگر این خطبه به موضوع پیدایش کوه‌ها و چشمه‌ها می‌پردازد: «فَلَمَّا سَكَنَ هَيْجُ الْمَاءِ مِنْ تَحْتِ أَكْنَفِهَا وَ حَمَلَ شَوَاهِقَ الْجِبَالِ الشُّمَخِ الْبُدُخِ عَلَى أَكْنَفِهَا فَجَرَ يَنْبِيعَ الْعُيُونِ مِنْ عَرَانِينَ أَنْوَفِهَا وَ فَرَّقَهَا فِي سُهُوبِ بَيْدِهَا وَ أَخَادِيدِهَا؛ هنگامی که هیجان آب در اطراف زمین فرو نشست و کوه‌های سخت و مرتفع را بر دوش خود حمل کرد، چشمه‌های آب از فراز کوه‌ها بیرون آورد و آب‌ها را در شکاف بیابان‌ها و زمین‌های هموار روان کرد».

سپس ایشان به نظم حرکت زمین و آرامش آن به واسطه‌ی کوه‌ها اشاره می‌کنند: «وَ عَدَلَ حَرَكَاتَهَا بِالرَّاسِيَاتِ مِنْ جَلَامِيدِهَا وَ ذَوَاتِ الشَّنَاخِيْبِ الشَّمِّ مِنْ صِيَاخِيدِهَا فَسَكَنَتْ مِنَ الْمِيدَانِ لِرُسُوبِ الْجِبَالِ فِي قِطْعِ أُدِيمِهَا وَ تَغْلُغَلِهَا مُتَسَرِّبَةً فِي جُوبَاتِ خِيَاشِيمِهَا وَ رُكُوبِهَا أَعْنَاقِ سُهُولِ الْأَرْضِينَ وَ جَرَاتِيمِهَا؛ و حرکت زمین را با صخره‌های عظیم و قله‌ی کوه‌های بلند نظم داد و زمین به جهت نفوذ کوه‌ها در سطح آن، فرو رفتن ریشه‌ی کوه‌ها در شکاف‌های آن و سوار شدن بر پشت دشت‌ها و صحراها، از لرزش و اضطراب باز ایستاد».

«وَ فَسَّحَ بَيْنَ الْجَوِّ وَ بَيْنِهَا وَ أَعَدَّ الْهَوَاءَ مُتَنَسِّماً لِسَاكِنِهَا وَ أَخْرَجَ إِلَيْهَا أَهْلَهَا عَلَى تَمَامِ مَرَافِقِهَا؛ و بین زمین و جو فاصله افکند و وزش بادها را برای ساکنان آن آماده ساخت، تمام نیازمندی‌ها و وسائل زندگی را برای اهل زمین استخراج و مهیا فرمود». در

این مرحله خداوند زمین را به هوا یا اکسیژن که برای حیات موجودات ضروری است و همچنین تمام چیزهایی که برای زندگی روی زمین لازم است، آماده کرده است.

«ثُمَّ لَمْ يَدْعُ جُرُزَ الْأَرْضِ الَّتِي تَقْصُرُ مِيَاهُ الْعُيُونِ عَنْ رَوَابِئِهَا وَلَا تَجِدُ جَدَاوِلُ الْأَنْهَارِ ذَرِيعَةً إِلَى بُلُوغِهَا، حَتَّى أَنْشَأَ لَهَا نَاشِئَةً سَحَابَ تُحْيِي مَوَاتِنَهَا وَتَسْتَخْرِجُ نَبَاتَهَا. أَلْفَ عَمَامَهَا بَعْدَ افْتِرَاقِ لَمَعِهِ وَتَبَايُنِ قَرَعِهِ، حَتَّى إِذَا تَمَخَّضَتْ لُجَّةُ الْمُزْنِ فِيهِ وَاتَّمَعَ بَرْقُهُ فِي كَفِّهِ وَكَمْ يَنَمُّ وَمِيضُهُ فِي كَنْهَوْرِ رَبَابِهِ وَمُتْرَاكِمِ سَحَابِهِ، أَرْسَلَهُ سَحَابًا مُتَدَارِكًا، قَدْ أَسْفَ هَيْدَبُهُ، تَمْرِيهِ الْجُنُوبُ دَرَرَ أَهَاضِيهِ وَدَفَعَ شَبَابِيهِ. فَلَمَّا أَلْقَتِ السَّحَابُ بَرْكََ بَوَانِيهَا وَبِعَاقَ مَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ مِنَ الْعِبَاءِ الْمَحْمُولِ عَلَيْهَا، أَخْرَجَ بِهِ مِنَ هَوَامِدِ الْأَرْضِ النَّبَاتَ وَمِنَ زُعْرِ الْجِبَالِ الْأَعْشَابَ؛ أَنْ گاه هیچ بلندی از بلندی‌های زمین را که آب چشمه‌ها و نهرها به آن راه ندارد وانگذاشت، بلکه ابرهایی را آفرید تا قسمت‌های مرده آن احیا شود و گیاهان رنگارنگ برویند. قطعات بزرگ و پراکنده‌ی ابرها را به هم پیوست تا سخت به حرکت در آمدند و با به هم خوردن ابرها، برق‌ها درخشیدن گرفت و از درخشندگی ابرهای سفید کوه پیکر و متراکم، چیزی کاسته نشد. ابرها را پی‌درپی فرستاد تا زمین را احاطه کردند و بادها شیر باران را از ابرها دوشیدند و به شدت به زمین فرو ریختند، ابرها پایین آمده سینه بر زمین ساییدند و آنچه بر پشت داشتند فرو ریختند که در بخش‌های بی‌گیاه زمین انواع گیاهان رویدن گرفت و در دامن کوه‌ها، سبزه‌ها پدید آمد.»

«فَهِيَ تَبْهَجُ بَرِيْنَهُ رِيَاضِهَا وَتَزْدَهِي بِمَا أَلْبَسَتْهُ مِنْ رِيْطِ أَزَاهِيْرِهَا وَحَلِيْبِهِ مَا سَمَطَتْ بِهِ مِنْ نَاضِرِ أَنْوَارِهَا وَجَعَلَ ذَلِكَ بِلَاغًا لِلْإِنَامِ وَرِزْقًا لِلْإِنْعَامِ وَخَرَقَ الْفِجَاجَ فِي أَفَاقِهَا وَأَقَامَ الْمَنَارَ لِلْسَّالِكِينَ عَلَى جَوَادِ طُرُقِهَا؛ پس زمین به وسیله‌ی باغ‌های زیبا، همگامی را به سرور و شادی دعوت کرده، با لباس نازک گلبرگ‌ها که بر خود پوشید، هر بیننده‌ای را به شگفتی واداشت و با زینت زیوری که از گلویند گل‌های گوناگون، فخر کنان خود را آراست، هر بیننده‌ای را به وجد آورد، که فرآورده‌های نباتی را توشه غذای انسان و روزی حیوانات قرار داد. در گوشه و کنار آن دره‌های عمیق آفرید و راه‌ها و نشانه‌ها برای آنان که بخواهند جاده‌های وسیع آن عبور کنند، تعیین کرد.»

بدین ترتیب خداوند حکیم قبل از آفرینش انسان‌ها همه‌ی وسایل زندگی او را فراهم ساخت، از پیدایش آسمان‌ها گرفته تا آرام کردن سطح زمین به وسیله‌ی کوه‌ها، قرار دادن جاده‌ها در وسط کوه‌ها برای ارتباط دادن انسان‌ها در مناطق مختلف و وجود آوردن چشمه‌ها، نهرها و باران برای آبیاری زمین که نتیجه‌ی آن رویدن انواع گیاهان برای تغذیه انسان‌ها و حیوانات است می‌باشد. همه‌ی این‌ها از یک سو انسان را متوجه علم و قدرت و حکمت خداوند می‌کند و از سوی دیگر حس شکرگذاری را در بنده ایجاد می‌نماید.

#### ۴- نتیجه گیری

انسان در شناخت آفرینش و خلقت خداوند هرچه بیشتر پیش می‌رود، بهتر به جهل خود پی برده و متوجه می‌شود که آنچه که علم و دانش می‌نامد، بسیار اندک و در برابر عظمت خداوند و علم آفریننده‌ی خود، هیچ است. زمانی که بتوانیم تمام آنچه از مخلوقات خدا را که در دسترس انسان می‌باشد بشناسیم و در محدوده‌ی علم ناچیز خود بیاوریم، تازه به شناخت اندکی از آسمان پایین نائل آمده‌ایم که حلقه‌ای است در بیابانی تهی و پهناور و توانایی و قدرت نفوذ در اکناف هفت آسمان و شناخت آن‌ها را نخواهیم داشت، تا چه رسد به عوالمی که خداوند با علم و قدرت بی‌انتهای خود علاوه بر هفت آسمانی که ما با استفاده از وحی و علم اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آن آگاهی یافته‌ایم، آفریده و هیچ یک از وجود دیگری خبر ندارد و هیچ یک مشابه دیگری نیست. این نگاه، بینشی است که به نظر می‌رسد انسان را در مسیر شناخت خود و خدای خود قرار می‌دهد؛ عظمت خالق و گستردگی عالم آفرینش و در مقابل آن ناچیز بودن انسان که با نهایت تلاش، به شناخت خود نیز دست پیدا نمی‌کند؛ چرا که هر آینه که این شناخت حاصل شود عظمت پروردگارش را در حد خود خواهد فهمید. خداوند نشانه‌های بسیاری برای انسان قرار

داده است تا به وسیله ی هریک بتواند به سادگی به وجود پروردگار پی برده و راه مستقیم سعادت و کامل شدن در مسیر عبودیت را بیابد.

تفکر در قرآن و علی الخصوص موضوع آفرینش با استفاده از دستاوردهای علوم حسی و تجربی موجب فهم عمیق و درست از کیفیت خلقت و در نتیجه شناخت بهتر از خود، هستی و خدا خواهد شد؛ بهبود زندگی نوع بشر در گرو استفاده از تمامی ظرفیت‌های خدادادی وی در راه تعالی است، عقل و علم بدون تقلین راهی به سرمنزل مقصود نخواهد برد. گرچه اعتقاد بر این است تزکیه‌ی نفس موجب توفیق فهم و کسب علم می‌گردد ولی استفاده از نعمت سمع و بصر و فواد همگی باهم موجب شناخت کامل می‌شود؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز به اذن خداوند جهت شناخت حسی به معراج برده شد تا چگونگی آفرینش آسمان‌ها و بهشت‌ها و جهنم‌های موجودات قبل از ما را به عینه مشاهده کند. تأکید بر کسب علم از دورترین نقاط و گرفتن حکمت حتی از نزد غیر مسلمان، نکته ای است که توسط تبیین کنندگان قرآن (اهل بیت (علیهم‌السلام)) بیان شده تا شناختی هرچه بهتر و کامل‌تر نسبت به مخلوقات و هدف خلقت صورت پذیرد.

با توجه به آیات و روایات ذکر شده به نظر می‌رسد شروع آفرینش کائنات بدین صورت باشد که ابتدا ماده و انرژی به صورت دریای مایع (همانند آب سیال) بسیار متراکم شکل گرفته و در مرحله‌ی دوم، آن دریای مایع به ماده ی جامدی تبدیل شده است، که در اثر انفجار (صیحه) تبدیل به دخان (گاز-بخار) شده و طی فرایندی زمان‌دار هفت آسمان به ترتیب شکل گرفته و به صورت تو بر تو یکی پس از دیگری ایجاد گردیده است. هم‌چنین با توجه به این جمله که خداوند هر زمان در شأن و کاری می‌باشد (کل یوم هو فی شان) به نظر می‌رسد این ایجاد و آفرینش ماده و انرژی و ... مداوم بوده و بدین صورت نیست که لحظه‌ای اتفاق افتاده باشد.

## مراجع

۱- قرآن کریم.

۲- نهج البلاغه.

۳- صحیفه سجادیه.

۴- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، قم، دار صادر.

۵- ابن میثم، میثم بن علی، ۱۳۸۵، شرح نهج البلاغه، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر کتاب.

۶- بلاغی، سید عبدالحجت، ۱۳۸۶، حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر، تهران، انتشارات حکمت.

۷- بهشتی، محمد، ۱۳۸۰، تأملی بر عالم خلق و عالم امر از نگاه قرآن، گلستان قرآن، ش ۸۸، صص ۱۷-۲۱.

۸- جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۹، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴، الصحاح، نوبت چاپ سوم، بیروت، دارالعلم للملایین.

۱۰- حقی بروسوی، اسماعیل، ۱۳۰۶، تفسیر روح البیان، قم، دارالفکر.

۱۱- دین پرور، سید جمال الدین، ۱۳۹۰، منشور جاویدانه، نوبت چاپ اول، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، المفردات فی غریب القرآن، نوبت چاپ اول، بیروت، دارالشامیه.

۱۳- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۷، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید باقر موسوی همدانی، نوبت چاپ یازدهم، قم، جامع‌المع

مدرسین حوزه علمیه.

۱۴- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۴، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نوبت چاپ هشتم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۱۵- طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸، اطبیب البیان فی تفسیر قرآن، نوبت چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.

۱۶- عبدالباقی، محمد فواد، ۱۳۷۲، المعجم المفهرس، نوبت چاپ دوم، قم، منشورات الشریف الرضی.

۱۷- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، نوبت چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۸- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نشر کتاب.

۱۹- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، نوبت چاپ بیست و نهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، پیام امام امیر المومنین (ع)، دار الکتب الاسلامیه.

۲۱- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، آموزش فلسفه، نوبت چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس

سره).